

فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن

در دوره بهمنیان

نویسنده

محسن معصومی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



تهران ۱۳۸۹

دیباچه

دوره‌ای از تاریخ هند را، که با حملات محمد بن قاسم ثقفی در سال ۹۱ق به این سرزمین آغاز شد و تا اواخر قرن سیزدهم هجری که بریتانیایی‌ها به حکومت مغولان هند پایان دادند ادامه یافت، محققان معاصر هندی و اروپایی «قرون میانه»^۱ نامیده‌اند. شبه‌قارهٔ پهناور هند در مدت این دوازده قرن شاهد ظهور فرهنگ و تمدنی درخشان بود که از سرزمین‌های اسلامی، و عمدتاً از طریق ایران، وارد این کشور شد و پس از تلفیق با فرهنگ و تمدن بومی هندوان، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی این سرزمین را تشکیل داد. آثار مادی و معنوی به‌جای‌مانده از هند دورهٔ میانه از نظر کمی و کیفی با هیچ‌یک از دیگر سرزمین‌های اسلامی در این دوره قابل مقایسه نیست. با این حال، محققان مسلمان تلاش چندانی برای شناسایی این برهه از تاریخ هند به عمل نیاورده‌اند. کوشش‌های محدودی نیز که به همت برخی از دانشمندان در این زمینه صورت گرفته است غالباً به تاریخ هند در دورهٔ سلاطین دهلی یا مغولان محدود است و خاندان‌های حکومتگر مسلمان، که تعدادشان نیز کم نیست، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به همین دلیل، نگارنده درصدد برآمد که به مطالعهٔ فرهنگ و تمدن در دورهٔ بهمنیان، که اولین حکومت مستقل مسلمان در جنوب هند و حامل فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی به این منطقه بود، بپردازد.

برای به انجام رساندن این پژوهش، یک سفر تحقیقی به هند، به ویژه دکن، ضروری بود. به رغم مشکلات فراوانی که اقدام به چنین سفری با آن مواجه بود، و نیز با وجود سختی های فراوان سفر به شهرها و مناطق مختلف هند، این سفر با موفقیت صورت پذیرفت. در این سفر شش ماهه، علاوه بر استفاده از راهنمایی های استادان تاریخ برخی از دانشگاه های هند، از کتب خطی و چاپی و نیز مقالات موجود در کتابخانه های مختلف، از قبیل کتابخانه دانشگاه دهلی، کتابخانه جامعه ملیه اسلامی دهلی، کتابخانه دانشگاه همدرده دهلی، کتابخانه دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی، کتابخانه مولانا دانشگاه آزاد اسلامی علیگره، کتابخانه دانشگاه عثمانیه حیدرآباد، کتابخانه آصفیه حیدرآباد، کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد، کتابخانه دایرة المعارف عثمانیه حیدرآباد، کتابخانه دانشگاه بمبئی و نیز کتابخانه های موجود در شهرهای گُلبرگه و بیدر استفاده شد. لازم است که از راهنمایی و همکاری صمیمانه استاد ارجمند جناب آقای دکتر اختر مهدی، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو، و نیز دوست گرامی آقای دکتر سرفراز احمد در دانشگاه دهلی به پاس همکاری های بی دریغ وی تقدیر نمایم. راهنمایی های دکتر محمد سلیمان صدیقی، رئیس دانشگاه عثمانیه حیدرآباد نیز بسیار مفید و راهگشا بود. به علاوه، از استادان محترم دانشگاه اسلامی علیگره، خانم دکتر آذرمیدخت صفوی، خانم دکتر شیرین موسوی، و آقای پروفیسور عرفان حبیب، به دلیل راهنمایی های مشفقانه و فراهم آوردن تسهیلات برای استفاده از امکانات دانشگاه، صمیمانه تشکر می کنم. در پایان، از همسر گرامی ام، که از آغاز تا انجام این کار، به ویژه در سفر به هند، سختی های فراوانی را متحمل گردید، تقدیر می نمایم.

فهرست مطالب

.....	دیباچه	پنج
.....	مقدمه	۱
.....	بررسی منابع	۷
.....	فصل اول: نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی بهمنیان	۳۵
.....	جغرافیای دکن	۳۵
.....	ورود مسلمانان به دکن	۳۷
.....	پادشاهان بهمنی	۳۹
.....	۱. حسن کانگوی بهمنی (۷۴۸ - ۷۶۰ ق)	۳۹
.....	۲. محمدشاه بن سلطان حسن کانگو، محمد اول (۷۶۰ - ۷۷۷ ق)	۴۴
.....	۳. مجاهدشاه بن سلطان محمد (۷۷۷ - ۷۸۰ ق)	۴۶
.....	۴. داوودشاه بن محمودخان بن سلطان حسن کانگو (۷۸۰ - ۷۸۰ ق)	۴۸
.....	۵. محمدشاه بن محمود بن سلطان حسن کانگو، محمد دوم (۷۸۰ - ۷۹۹ ق)	۴۸
.....	۶. غیاث الدین بن سلطان محمد دوم (۷۹۹ - ۷۹۹ ق)	۵۰
.....	۷. شمس الدین بن محمدشاه (۷۸۰ - ۷۹۹ ق)	۵۰
.....	۸. تاج الدین فیروزشاه بن احمدخان (۸۰۰ - ۸۲۵ ق)	۵۱
.....	۹. احمدشاه بن احمدخان، احمد اول (۸۲۵ - ۸۳۸ ق)	۵۴
.....	۱۰. علاء الدین احمدشاه بن احمدشاه ولی، احمد دوم (۸۳۸ - ۸۶۲ ق)	۵۸
.....	۱۱. همایون شاه بن سلطان احمد دوم (۸۶۲ - ۸۶۵ ق)	۵۹
.....	۱۲. احمدشاه بن همایون، احمد سوم (۸۶۵ - ۸۶۷ ق)	۶۰
.....	۱۳. محمد بن همایون، محمد سوم (۸۶۷ - ۸۸۷ ق)	۶۲
.....	۱۴. محمودشاه بن محمد سوم (۸۸۷ - ۹۲۴ ق)	۶۴

۶۶	۱۵. احمد بن محمود شاه. احمد چهارم (۹۲۴-۹۲۷ق)
۶۷	۱۶. علاءالدین بن احمد شاه (۹۲۷-۹۲۹ق)
۶۷	۱۷. ولی الله بن محمود شاه (۹۲۹-۹۳۲ق)
۶۷	۱۸. کلیم الله بن محمود شاه (۹۳۲-۹۳۴ق)
۶۹	فصل دوم: تشکیلات و سازمان اداری، نظامی و مالی
۶۹	الف. تقسیمات اداری قلمرو بهمنیان
۷۴	ب. دیوانسالاری و تشکیلات
۷۵	۱. سلطان
۷۷	۲. وکیل السلطنه (وزیر)
۸۸	۳. صدر (قاضی القضاة)
۹۱	۴. کوثوال و محتسب
۹۳	۵. باریک، حاجب و وکیل در
۹۴	۶. جامه دار و پرده دار
۹۵	۷. خوان سالار و سرآب دار
۹۶	۸. دبیر، دواندار و خریطه کش
۹۷	۹. شحنة بارگاد و میر سامان
۹۸	۱۰. آخوریک و شحنة فیل
۹۹	ب. سازمان نظامی
۹۹	۱. تشکیلات نظامی
۱۰۴	۲. آرایش سپاهیان و شیوه نبرد
۱۰۸	۳. حقوق و مواجب سپاهیان
۱۰۹	ت. امور مالی
۱۱۲	۱. کشاورزی
۱۱۶	۲. بازرگانی
۱۲۲	فصل سوم: آموزش و مؤسسات آموزشی
۱۲۳	الف. توجه به دانش و دانشمندان
۱۲۶	ب. معروفترین دانشمندان دوره بهمنیان
۱۲۹	پ. مؤسسات آموزشی
۱۳۰	۱. مکتب
۱۳۱	۲. مدرسه
۱۳۵	۳. خانقاه
۱۳۸	۴. تعلیم خانه
۱۴۰	۵. دارالشفاء
۱۴۰	۶. کتابخانه

۱۴۲	ت. امور مالی مؤسسات آموزشی
۱۴۳	ث. زبان‌های رایج در قلمرو بهمنیان
۱۴۴	۱. زبان و ادبیات فارسی
۱۵۵	۲. عربی
۱۵۶	۳. دگنی (اردوی قدیم)
۱۵۸	۴. مرتهی
۱۵۹	۵. کتابخانه و تلگو
۱۶۱	فصل چهارم: دین و مذهب در قلمرو بهمنیان
۱۶۱	الف. شیعه و سنی
۱۷۲	ب. تصوف
۱۷۶	۱. شیخ رکن‌الدین بن شیخ سراج‌الدین ابوالمظفر جنیدی (۶۷۰-۷۸۱ ق)
۱۷۹	۲. عین‌الدین محمد جنیدی بیجاپوری مشهور به گنج‌العلم (۷۰۶-۷۹۵ ق)
۱۷۹	۳. شیخ زین‌الدین دولت‌آبادی (۷۰۱-۷۷۱ ق)
۱۸۱	۴. سید محمد بن یوسف حسینی، معروف به گیسودراز (۷۲۱-۸۲۵ ق)
۱۸۵	۵. خاندان شاه نعمت‌الله
۱۹۰	۶. سید حنیف
۱۹۰	۷. شیخ ابراهیم ملتانی
۱۹۳	فصل پنجم: معماری و هنر
۱۹۳	ویژگی‌های اصلی معماری بهمنیان
۱۹۶	۱. ساختار کلی بناها
۱۹۷	۲. گنبد
۱۹۸	۳. طاق
۱۹۸	۴. مناره
۱۹۹	۵. گلدسته
۲۰۰	۶. محراب
۲۰۱	۷. تزیینات
۲۰۱	تزیینات سنگی
۲۰۲	تزیینات گچی
۲۰۲	آجر
۲۰۳	کاشی
۲۰۳	۸. تاج‌های روی دیوارها
۲۰۴	بناهای دوره بهمنیان
۲۰۴	الف. مساجد
۲۰۵	۱. مسجد شاه بازار

۲۰۵	۲. جامع گلنیز گه
۲۰۸	۳. مسجد سولا کامیا
۲۰۹	ب. مقابر
۲۱۷	پ. کاخ‌ها
۲۱۸	۱. تخت محل
۲۱۹	۲. رنگین محل
۲۲۰	۳. ترکش محل، گامگان محل
۲۲۰	ت. مدرسهٔ محمود گاوآن
۲۲۲	ث. معماری نظامی
۲۲۳	۱. قلعهٔ گلنیز گه
۲۲۴	۲. قلعهٔ بیدر
۲۲۵	سایر هنرها
۲۲۵	۱. خوشنویسی
۲۲۶	۲. موسیقی
۲۲۸	۳. نقاشی
۲۲۹	فصل ششم: اوضاع اجتماعی
۲۲۹	الف. گروه‌های مختلف تشکیل دهندهٔ جامعهٔ دکن و تعامل آن‌ها با یکدیگر
۲۳۰	۱. هندوان
۲۳۴	۲. دکنیان
۲۳۵	۳. فرنگیان و حبشیان
۲۳۷	۴. مغولان
۲۳۷	۵. ترکان
۲۳۸	۶. آفاقی‌ها (غریبان)
۲۴۰	ب. کشمکش‌های آفاقی-دکنی
۲۴۲	پ. زندگی روزانه در قلمرو بهمنیان
۲۵۹	پیوست‌ها
۳۰۹	فهرست منابع
۳۰۹	کتاب‌های خطی
۳۱۰	کتاب‌های چاپی
۳۱۴	منابع انگلیسی
۳۱۹	فهرست اعلام

مقدمه

حملات مسلمانان به شبه‌قاره هند را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول این حملات در واقع ادامه فتوحات مسلمانان در سرزمین‌های دیگر بود که در قرن نخست هجری صورت گرفت. در سال ۹۱ق، محمد بن قاسم ثقفی از طرف حجاج بن یوسف، که از جانب ولید بن عبدالملک (حک ۸۶-۹۶ق) حکومت خراسان را بر عهده داشت، مأمور فتح سند (حدود پاکستان امروزی) شد. وی از طریق مکران وارد جنوب سند شد و تا سال ۹۴ق توانست تقریباً همه سرزمین سند را به تصرف خویش درآورد. از این تاریخ تا روی کارآمدن غزنویان در غزنه، سند را عاملان مسلمانی که عمدتاً عرب بودند اداره می‌کردند. دوره دوم حملات مسلمانان به هند را ترکان در اواخر قرن چهارم آغاز کردند. محمود غزنوی (حک ۳۸۸-۴۲۱ق) در طول حکومت خویش حملات گسترده‌ای به شمال هند تدارک دید و موفق شد که قدرت خویش را در بسیاری از سرزمین‌های شمالی و مرکزی هند گسترش دهد و برخی از حکمرانان محلی هندو را باجگزار خویش سازد. با این حال، حملات محمود غزنوی و برخی از جانشینان وی به هند به هیچ وجه به تأسیس حکومتی مسلمان در این سرزمین منجر نگردید. این حملات عمدتاً برای کسب غنائم صورت گرفت. در دوره غوریان و سرداران آنان بود که حکومت مسلمانان در شمال هند تثبیت شد. قطب‌الدین ایبک (حک ۶۰۲-۶۰۷ق)، که از جانب غوریان در لاهور حکومت می‌کرد، حملات فراوانی به هند تدارک دید. پس از وی اَلتَّيْمِش (۶۰۷-۶۳۳ق) قدرت را در دست گرفت. وی برای اولین بار موفق شد که نخستین

حکومت مسلمان را در دهلی پایه‌گذاری کند. اَلتَّمِش و جانشینان وی را، که تا ۶۸۹ق در دهلی حکومت کردند، «ممالیک»، «غلامشاهیان» یا «معزیان» می‌گویند. پس از این خاندان، سلاله‌ای دیگر از ترکان خَلْجی در دهلی برای حدود ۳۰ سال قدرت را به دست گرفتند. معروف‌ترین سلطان این سلسله علاءالدین محمد خَلْجی (حک ۶۹۵-۷۱۵ق) بود. وی، علاوه بر تثبیت قدرت خویش در شمال هند و گسترش قلمرو خود، از ۶۹۵ق به حملاتی به جنوب هند (دکن) دست زد. سپاهیان مسلمان در دوره علاءالدین برای نخستین بار به دکن پای نهادند. وی تا جنوبی‌ترین منطقه دکن، یعنی مالبار و مغبر، پیش رفت و بسیاری از حاکمان محلی را خراجگزار خویش ساخت. پس از خَلْجیان گروهی دیگر از ترکان، یعنی تغلقیان، حکومت را در دهلی در دست گرفتند. دومین سلطان این خاندان، محمد بن تغلق (حک ۷۲۵-۷۵۲ق)، را باید یکی از بزرگ‌ترین و توانمندترین پادشاهان مسلمان هند در طول تاریخ حکومت مسلمانان در این سرزمین به حساب آورد. وی با لشکرکشی به سرزمین‌های شمال و جنوب هند و سرکوب حکومت‌هایی که تا آن زمان تسلیم مسلمانان نشده بودند، توانست حکومتی قدرتمند تشکیل دهد که قلمرو آن از کشمیر در شمال تا مته‌الیه دکن در جنوب گسترده بود. خشونت محمد بن تغلق و سختگیری وی به اتباع مسلمان و هندوی خویش و نیز گسترش فراوان قلمرو وی باعث شد که در دهه پایانی حکومت او نوعی نارضایتی در میان امیران و حاکمان ایالت‌های مختلف و نیز در میان مردم مسلمان و هندو به وجود آید. این نارضایتی‌ها موجب شکل‌گیری شورش‌های مختلفی علیه حکومت محمد گردید که به استقلال برخی ایالات از جمله دکن انجامید. در دوره جانشینان محمد، حکومت تغلقیان بیش از پیش رو به ضعف نهاد. حملات تیمور به هند در ۸۰۱ق ویرانی بسیار به دنبال داشت و باعث شد که وحدت سیاسی موجود از میان برود و در ایالت‌های مختلف حکومت‌های مستقلی تشکیل گردند. در دهلی، حکومت سادات یا خضرخانیه (۸۱۷-۸۴۷ق) و سپس لودیان (۸۵۵-۹۳۲ق) و پادشاهان سوری (۹۴۷-۹۶۲ق) و سپس مغولان به ترتیب به قدرت رسیدند و در مناطق مرکزی و جنوب هند نیز حکومت‌های دیگری پا گرفت. در هند مرکزی و مرز میان دکن و شمال، چند حکومت مستقل مسلمان از قبیل سلاطین گُجرات (۷۹۳-۹۳۲ق)، پادشاهان مالوَه (۷۹۳-۹۶۹ق) و حاکمان خاندیش (۷۸۴-۱۰۰۹ق) شکل گرفت که هر یک به نوبه خود سهم عظیمی در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در این مناطق ایفا کردند.

اولین سلسله مستقلی که از حکومت تغلقیان در جنوب منشعب شد یک حکومت هندو در متتهالیه جنوبی شبه‌قاره هند بین رودخانه‌های کَریشنا و کاوری^۱ بود. این حکومت را چند برادر هندو که مسلمان شده و از جانب محمدبن تغلق به حکومت آن نواحی گماشته شده بودند تأسیس کردند. این افراد پس از انتصاب به حکومت، از اسلام روی برتافتند و حدود ۷۳۷ق با کسب حمایت گسترده هندوان و به قصد مقابله با نفوذ و گسترش بیشتر اسلام در جنوب، حکومتی مستقل تشکیل دادند. آنان شهری به نام ویجیانگر^۲ (شهر پیروزی) ساختند و آن را به عنوان پایتخت خویش برگزیدند. سپس همه قلمرو آنان به این نام خوانده شد. دولت هندوی ویجیانگر، که تا ۹۴۹ق ادامه یافت، اصلی‌ترین دشمن حکومت‌های مسلمان به‌ویژه بهمنیان و جانشینان آنان بود و در واقع تاریخ حکومت بهمنیان و جانشینان آن‌ها را باید تاریخ نبرد مداوم با این سلاطین هندو دانست.^۳

اولین سلسله مستقل مسلمان که از حکومت تغلقیان در جنوب منشعب شد حکومت بهمنیان بود. این حکومت در سال ۷۴۸ق به دلیل شورش امیران صده (کسانی که ریاست بر امور سیاسی صد روستا را بر عهده داشتند) علیه محمدبن تغلق شکل گرفت. از این تاریخ تا سال ۹۳۴ق هجده تن از پادشاهان بهمنی در دکن حکومت کردند. اولین این سلاطین حسن کانگو و آخرین آنان سلطان کلیم‌الله بود. از این هجده تن، هشت نفر در شهر گُلَبَرگه (از ۷۴۸ تا حدود ۸۲۵ق) و ده نفر دیگر در بیدر (از ۸۲۵ تا ۹۳۴ق) حکومت کردند. به همین دلیل، حکومت آنان را باید به دو دوره مجزای گُلَبَرگه و بیدر تقسیم کرد. هر یک از این دوره‌ها ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ویژه‌ای دارد که آن را به‌وضوح از دوره دیگر جدا می‌سازد. بهمنیان که اصل و نسبی ایرانی داشتند توجه بسیاری به دانشمندان، هنرمندان، بازرگانان و سایر گروه‌های اجتماعی که از سرزمین‌های مختلف، به‌ویژه ایران، به دکن مهاجرت کردند نشان دادند. سرزمین دکن در دوره آنان مورد توجه گروه‌کنیری از این مهاجران قرار گرفت. آنان با انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان اداری و علمی خویش و نیز انتصاب ایرانیان به مشاغل و مناصب مهمی چون وزارت و صدارت، باعث نفوذ فراوان فرهنگ و تمدن

1. Kavari

2. Vijayanagar

۳. برای جزئیات، ←

Sastri, 264-311; Puri, 273-294; Munshi, 271-325; Sewell, *A Forgotten Empire: Vijayanagar*

ایرانی-اسلامی در دکن گردیدند. حضور ایرانیان در همه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و هنری در این دوره به‌خوبی قابل مطالعه و پیگیری است. مذهب تشیع را در این دوره این مهاجران وارد دکن کردند که در دوره‌های بعد مذهب رسمی دکن شد. صوفیان فرقه‌های مختلف، از قبیل جنیدیه، چشتیه و نعمت‌اللهیه، نیز باعث آشنایی دکن با فرهنگ اسلامی و تعالیم صوفیانه گردیدند. بالاخره، معماران، هنرمندان و صنعتگران ایرانی بیشترین نقش را در انتقال هنر و فرهنگ ایرانی به دکن بر عهده گرفتند. حکومت بهمنیان در دهه‌های پایانی خود، به دلیل بروز اختلافات شدید میان سرداران و امیران آفاقی و دکنی، دچار ضعف و سستی شد و در نهایت به پنج حکومت کوچک تقسیم شد که عبارت است از: بریدشاهیان در بیدر (۸۹۲-۱۰۲۸ق)، عادلشاهیان در بیجاپور (۸۹۵-۱۰۹۷ق)، نظامشاهیان در احمدنگر (۸۹۵-۱۰۴۸ق)، عمادشاهیان در برار (۸۹۶-۹۸۲ق) و قطب‌شاهیان در گُلکنده (۹۰۱-۹۵۰ق). همه این حکومت‌ها به تدریج جذب امپراتوری وسیع مغولان شدند.

این اثر به بررسی فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی دکن در دوره بهمنیان، در شش فصل، به ترتیب زیر می‌پردازد:

فصل اول: در این فصل به تاریخ سیاسی دکن در دوره بهمنیان نگاهی گذرا شده است. پیشینه حضور مسلمانان در هند و دکن و سپس دلایل شورش امیران صده علیه محمدبن تغلق که منجر به تأسیس حکومت بهمنیان گردید، در این فصل بررسی شده است. به علاوه، با تکیه بر اسناد و مدارک موجود و نیز سکه‌های باقی‌مانده از بهمنیان، نگارنده به این نتیجه رسید که پادشاهان این سلسله دارای اصل و نسبی ایرانی بودند و خود آنان در طول حکومت خویش به این امر افتخار می‌کردند. همچنین به رابطه بهمنیان با همسایگان مسلمان و هندوی آنان در این فصل اشاره شده است.

فصل دوم: در فصل دوم سازمان اداری، مالی و نظامی بهمنیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بهمنیان از حکومت تغلقیان منشعب شدند و نظام اداری آنان به شدت متأثر از سیستم اداری دهلی بود. بانیان و گردانندگان اصلی سازمان اداری تغلقیان نیز ایرانیانی بودند که به مناسبت‌های مختلف به هند سفر کرده بودند. در این فصل ضمن اشاره به نحوه تقسیم قلمرو بهمنیان و چگونگی اداره آن، به مسئله وزارت که تأثیرگذارترین نهاد سیاسی و اجتماعی در این دوره بود پرداخته شده است و زندگی و آثار و اعمال وزیران مشهور ایرانی

این دوره از قبیل ملک سیف‌الدین غوری، میرفضل‌الله آنجوی شیرازی و محمود گاوآن گیلانی مورد بررسی قرار گرفته است. به‌علاوه، القاب و مناصب سیاسی و اداری چون صدر، کوئوال، محتسب، حاجب، بارزک، جامه‌دار و غیره به‌طور مختصر معرفی و توصیف شده است. سازمان نظامی بهمنیان و نیز امور مالی و اوضاع کشاورزی و بازرگانی و مالیات‌های مختلفی که در این دوره اخذ می‌گردید از دیگر موضوعات این فصل است.

فصل سوم: آموزش و مؤسسات آموزشی موضوع فصل سوم است. بهمنیان به حمایت بی‌دریغ از دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم همت گماردند. انتصاب دانشمندانی چون گاوآن به وزارت باعث شد که دانشمندان برای برخورداری از حمایت‌های این افراد از سایر سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه ایران، به دکن مهاجرت کنند. در این فصل، ضمن توجه به این مسئله و ارائه فهرستی از دانشمندان مشهور این دوره، به برخی مؤسسات آموزشی از قبیل مکتب، مدرسه، خانقاه و تعلیم‌خانه پرداخته شده است. به‌علاوه، زبان‌های رایج در قلمرو بهمنیان که به‌ترتیب اهمیت عبارت از فارسی، عربی، دکنی (اردوی قدیم)، یلگو، گَنّاده و مَرْتَهی بودند و سهم هر یک از این زبان‌ها در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در دکن مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل به‌ویژه موقعیت زبان فارسی، آثاری که به فارسی در این دوره نگاشته شد و نیز زندگی برخی شعرا و ادبای فارسی‌گوی دربار بهمنیان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم: در فصل چهارم به اوضاع دینی و معنوی جامعه دکن در این دوره توجه شده است. نفوذ و گسترش تشیع امامیه به وسیله ساداتی که از ایران و عراق به دکن مهاجرت کردند و حمایت بی‌دریغ برخی پادشاهان و وزرای بهمنی از این گروه، موضوع قسمت نخست این فصل است. در قسمت دوم به مسئله تصوف در این دوره و نقش بسیار مؤثری که صوفیان جنیدیه و چشتیه و نعمت‌اللهیه در مسائل سیاسی، اجتماعی و معنوی ایفا کردند و رابطه آنان با مردم و حکومت اشاره شده و زندگی و آثار برخی صوفیان معروف از قبیل شیخ سراج‌الدین جنیدی و سید محمد گیسودراز حسینی مورد مطالعه قرار گرفته است.

فصل پنجم: معماری دکن در دوره بهمنیان، به‌ویژه در دوره بیدر، به‌خوبی نشان‌دهنده تأثیر عمیق ایرانیان در شئون مختلف زندگی اجتماعی در دکن است. در فصل پنجم به مطالعه سبک و شیوه معماری دکن در این دوره و نشان دادن سهم هر یک از گروه‌های

اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش این سبک معماری پرداخته شده است. بناهای باقی‌مانده از دوره بهمنیان به‌روشنی حاکی از حضور معماران و خوشنویسان و صنعتگران ایرانی در کنار هنرمندان هندو و تعامل این دو گروه با یکدیگر است. در این فصل، ضمن معرفی مهم‌ترین بناهای موجود در گلبرگه و بیدر، عناصر و ویژگی‌های ایرانی این بناها بررسی شده است. در پایان نیز برخی هنرهای مرسوم در جامعه دکن از قبیل نقاشی و خوشنویسی مورد توجه قرار گرفته و به‌ویژه به حضور خوشنویسان برجسته ایرانی در دکن و برخی آثار به‌جای‌مانده از آنان اشاره شده است.

فصل ششم: در فصل ششم نخست گروه‌های مختلف تشکیل‌دهنده جامعه دکن در دوره بهمنیان مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفته است. برای تعیین نقش و سهم ایرانیان در فرهنگ و تمدن این دوره، لازم بود سایر نیروهای فعال در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی نیز مورد مطالعه قرار گیرند. هندوان، دکنیان، فرنگیان، حبشیان، مغولان، ترکان و آفاقی‌ها (مهاجران ایرانی و عرب) گروه‌های عمده تأثیرگذار بر روند مسائل سیاسی و اجتماعی این دوره بودند. در این فصل به چگونگی تعامل این نیروها با یکدیگر، به‌ویژه اختلاف میان دکنیان و آفاقی‌ها که اصلی‌ترین مسئله و مشکل بهمنیان را در سراسر حکومت آنان تشکیل می‌داد، نیز پرداخته شده است. در پایان، اوضاع اجتماعی دکن در این دوره و مسائلی از قبیل چگونگی برگزاری جشن‌ها، وضع معیشت و اقتصاد مردم، طبقات مختلف مردم از نظر اقتصادی، سرگرمی‌های پادشاهان و مردم همچون شکار و گشتی، پوشاک و خوراک طبقات مختلف و نیز موقعیت اجتماعی زنان مورد مطالعه قرار گرفته است.

مطالعه فصول ششگانه بالا روشن می‌سازد که بهمنیان با حمایت از دانشمندان و شعرا و ادبا و معماران و صنعتگران و بازرگانان سرزمین‌های مختلف، به‌ویژه ایرانیان، سهمی بسزا در آشنا ساختن دکن با فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کردند. در این میان، ایرانیان در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی نقش برجسته‌ای برعهده داشتند. انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان اداری و نیز علمی دربار بهمنیان، علاوه بر نفوذ و گسترش فراوان این زبان در جنوب هند، باعث رسوخ هرچه بیشتر فرهنگ و تمدن ایرانی در این نقطه از جهان اسلام گردید.